

تماشاخانه

هیاهو برای هیچ؟

نگاهی به نمایش «وینسک» کار رضا ثروتی



احمد طالبی‌نژاد منتقد سینما

● در اواخر نمایش ویتسک، فرمانده یا ارباب خپل در حالی که با زخم‌زبان‌هایش این سربار مفلوک را آزرده و دارد به دخمه‌ای می‌خزد، آرام و حتی نامفهوم، چندبار واژه «گروتسک» را بر زبان می‌آورد. شاید به این دلیل که رضا ثرونی می‌خواسته تماشاگران را به یکی از پیچیده‌ترین سبک‌های ادبی و هنری رهنمون شود تا در ک بهترینی از کل اثر داشته باشد؛ سبکی که خود برگرفته یا بهتر بگوییم تلفیقی است از چند سبک و مکتب دیگر. گروتسک شیوه‌ای است که از ایتالیا سرچشمه گرفته و گویا در زبان ایتالیایی، معنی گودال یا حفره می‌دهد. شاید به همین دلیل بوده که کارگردان در طراحی صحنه، حفره‌هایی تعبیه کرده که آدم‌هایش دایم از آنها خارج یا داخل می‌شوند. آدم‌های دفرمه، نصفه نیمه و اغراق‌آلود که هم مضحکند و هم وحشتناک و این مهم‌ترین ویژگی گروتسک است. گروتسک یعنی تلفیقی از مضحکه، کاریکاتور و در عین‌حال وحشت و اضطراب. البته همان‌طور که اشاره شد، گروتسک با برخی دیگر از سبک‌ها نیز پیوند دارد. از جمله با اکسپرسیونیسم، نمونه کامل این شیوه را در آثار سینمایی اکسپرسیونیستی آلمان به‌وفور می‌توان دید. از مطلب دکتر کالیگاری گرفته تا آثار مورنا و فریتز لانگ. نمونه‌اش فیلم حیرت‌آور متروپولیس لانگ است که از جهانی مضحک و وحشت‌آلود حرف می‌زند و باز می‌دانیم که هم گروتسک و هم اکسپرسیونیسم، راینده شرایط ملول از وحشت و اضطراب اروپا به ویژه آلمان در اواخر قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم هستند. ویتسک را گنگور بوشنر نمایشنامه‌نویس جولانگر شده آلمانی نوشته است. وی متولد ۱۸۱۳ بود و تنها ۲۴سال عمر کرد. از او سه نمایشنامه باقی مانده است. لئونس و لنا، مرگ دانتون و همین ویتسک. از این نمایشنامه چندین فیلم سینمایی اقتباس شده که معروف‌ترین‌شان ساخته ورنر هرتزوک هموطن نویسنده است و البته فیلم پستیچی داریوش مهرجویی هم بر اساس همین اثر ساخته شده است. یکی از مهم‌ترین وجوه این اثر بی‌منطقی است که این ویژگی از خود سبک می‌آید. گروتسک در یک کلام سبکی است که از بی‌منطقی نشأت گرفته. هر جا با موقعیتی برخورد کنیم که به نظرمان منطقی در آن نمی‌توان یافت، باید بدلیش که با یک موقعیت گروتسک روبه‌رویم. نه فقط در آثار هنری که در خود زندگی هم، گاه موقعیت‌هایی پیش می‌آید که آمیخته‌ای از مضحکه و وحشتند. البته رد پای واقعیت و فرا واقعیت را نیز در این سبک می‌توان دید. به هر حال فضای کلی نمایش ویتسک بیانگر چنین حال و هوایی است. سرباز میندیک به نام ویتسک، گاهی در خیال خود همه‌زنان است و این طبیعت که در این حرف می‌زنند، سر حرکت می‌کند و اغلب هم اختیارش از دست ویتسک خارج می‌کند. ارباب یا فرمانده‌ای دارد که باید طبق دستورات او تیمارش کند. همسر وفادارش از سوی دیگران به خیانت متهم شده و کودک‌کی دارد که درون یک سطل آب قرار داده شده و منتظر غسل تعمید است و باقی موقعیات که همچون موش درون خفیه‌ها زندگی می‌کنند و لحظه به لحظه از مخفیگاهشان سر بر می‌آورند و سوهان روح ویتسک می‌شوند. متن بوشنر توسط رضا ثرونی بازنویسی و تغییرات زیادی در آن داده شده اما ایرانی نشده است. پرسش اینجاست که چرا متن اصلی کار نشده وقتی که فضا و مکان و همه عناصر غربی نمایش حفظ شده‌اند؟ اگر قرار بر همسان‌سازی شرایط باشد و این دلیل اثری را بازنویسی و در ارکان آن خلل‌انصراف می‌کنیم که خب معنای اقتباس هم همین است، چرا آن را به اثری با رنگ و بوی جامعه خودمان تبدیل نکنیم؟ به هر حال وقتی خودمان را در پشت نا‌های معتبر بنهان می‌کنیم، باید چیزی بر آن آثار بیفزاییم نه اینکه از آنها بکاهیم. چنان که هم مهرجویی و هم ناصر تقوایی به آثاری که از نویسندگان بزرگ اقتباس کرده‌اند، به چنین موقعیتی دست یافته‌اند. تردید نکنید که فیلمنامه ناخدا خورشید از اصل داستان داشتن و نداشتن همیگویی بهتر است. در مورد سارای مهرجویی هم همین حکم را صادر می‌کنم، هر کس هم قبول ندارد، برود نمایشنامه عروسک خاله ایبسن را بخواند و بعد فیلم مهرجویی را ببیند، اما این سال‌ها شاهد یک بازی خطرناک در عرصه ادبیات نمایشی هستیم که نامش را بازخوانی نهاده‌اند که باید گفت این سوءاستفاده از آثار پیش‌خلق شده و نام اعتبار نویسندگانشان است و نه چیزی بیشتر. این رویکرد که از عدم خلافت فردی یا تبیلی ناشی می‌شود، فضای کلی تئاتر امروز ما را به بد مسیری کشانده یک‌جور بی‌هویتی و گریز از واقعیت. خب در نبود بیضایی، ساعدی، رادی و رحمانیان، طبیعی است اگر به قبول رادی «کوچک ابدارها» سکان تئاتر ما را در دست بگیرند. من البته از ثروتی کاری جز همین اثر ندیدم و نمی‌دانم چه هویتی در تئاتر امروز ایران دارد ولی به استناد همین نمایش می‌توان گفت که او نیز تدبیری یکی از بهترین کارگردانان امروز تئاتر ماست. می‌توانست این‌دانه در نمایشی کردن حسن‌های درونی «اکسپرسیونیسم» بسیار موفق است و زیبایی‌شناسی را هم خوب می‌داند و از امکانات سایر هنرها به ویژه سینما هم خوب استفاده کرده، اما به عنوان نویسنده، من پختگی لازم را در کارش ندیدم. یعنی متن در اندازه زحمتی که برای اجرایش کشیده شده نیست، بازی‌های درخشان و دشوار همه بازیگران به ویژه مرتضی اسماعیل کاشی و پانته‌آ پناهی‌ها، باند صوتی نمایش که بسیار ظریف و دقیق تنظیم شده، آن همه انرژی و خلافتی که بر صحنه جاری می‌شود، برای این متن مبهم که قرار است بیانگر یک دنیای فاشیستی باشد، واقعا کم است. هیاهو برای هیچ که نمی‌شود.

شرق:
مهران مدیری که این روزها درگیر آماده‌سازی بخش‌های تازه مجموعه تلویزیونی «ویلاي من» است؛ برخلاف شایعاتی که درباره حذف نامش در تیزر تلویزیونی فیلم سینمایی «تهران ۱۵۰۰» منتشر شده، با ابراز بی‌اطلاعی از آن در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که دوست دارد با تلویزیون همکاری کند و اگر شرایط مناسبی پیش‌آید حتماً بار دیگر با این رسانه همکاری خواهد کرد. بنابه گفته تهیه‌کننده فیلم سینمایی «تهران ۱۵۰۰» بخش بازرگانی صدا و سیما به عوامل فیلم گفته است که نام مدیری را از تیزر تلویزیونی حذف کنند. مهران مدیری از این تصمیم اظهار بی‌اطلاعی کرد اما در گفت‌وگویی کوتاه با «شرق» ترجیح داد درباره ویلاي من صحبت کند. به گفته او، این مجموعه در مرحله فیلمبرداری فصل تازه است: «در حال حاضر مشغول ویلاي من هستم و مراحل ضبط و آماده‌سازی ایین مجموعه را طی می‌کنم. فیلمبرداری ویلاي من تا اواخر اردیبهشت به پایان می‌رسد و امیدوارم که بتوانیم مجموعه خوبی را برای مردم آماده کنیم.»ویلاي من دومین تجربه مدیری برای ساخت مجموعه تلویزیونی در شبکه نمایش خانگی بود. مجموعه قهوه تلخ که طی سال‌های ۹۰ و ۹۱ ساخته شده، به‌رغم استقبال خوب مخاطبان به آن حین تولید و پخش با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده؛ مشکلاتی که کارگردان این مجموعه می‌گوید تجربه‌ای شده تا بتوانند ویلاي من را با مشکلات کمتری بسازند. «ویلاي من تجربه بسیار خوبی بود که در مقایسه با قهوه تلخ مشکلات زیادی نداشت. تجربیاتی را که ما در قهوه تلخ به دست آوردیم در این کار پیاده کردیم و از نتیجه کار بسیار راضی هستیم.»او می‌گوید: «من همیشه

۱۳ فروردین ۹۲/ بخش اهدای عضو بیمارستان مسیح دانشوری

زندگی بازی عجیبی دارد. شاهرخ بدیعی پدر عسل بدیعی از کسانی است که هم اهدای عضو دردل‌هایش را تجربه کرده و سه سال ششده دلامارش رضا داوودنژاد درگیر مساله پیوند کبد بود. او به همراه علیرضا داوودنژاد فیلمساز و پدر رضا، بابک بدیعی پسرعموی عسل بدیعی و چند تن از بستگان درجه یک او در محوطه بخش اهدای عضو بیمارستان حضور دارند. پدرش آرام اشک می‌ریزد. مادر در اثر بی‌قراری شدید حاصل از این ضایعه بزرگ به خانه منتقل شده، نزدیکان او پدر را تسلا می‌دهند. با همه‌صبر به سوالات پاسخ می‌دهد: اهدای عضو علاقه باطنی عسل بود. اولین فیلمی هم که او بازی کرد «بودن یا نبودن» به تهیه‌کنندگی کیانوش عیاری در رابطه با پیوند اعضا بود. فیلم دیگرش هم «به خاطر پسر» بود که آن هم درباره پیوند اعضا بود. در جریان پیوند کبد رضا داوودنژاد که داماد من هستند و همسر غزل، من و عسل به جشن اهدای عضو (جشن نفس) دعوت شدیم. عسل با اشتیاق فرم اهدای عضو را پر کرد و کارت اهدا برای او صادر شد. خودش اصرار داشت و بارها به من گفته بود که اگر این اتفاق برآید تمام اعضاء را اهدا کنید. همه اعضا خانواده ما عضو انجمن اهدای عضو هستند. تا جایی که بتوانم دیگران را تشویق می‌کنم به عضویت انجمن اهدای عضو درآید. خیلی فعالیت خوبی است برای جامعه و باید بسط پیدا کند. خانواده‌ها باید ببینند که اگر خدای ناکرده عزیزشان به مرگ مغزی دچار شد این شهادت و دل را داشته باشند که با آن ذات بخشنده‌ای که در خاوند هست و در بشر به ودیعه گذاشته شده رضایت داده و اعضای عزیزشان را که قرار است زیر خاک بیوسد به افراد نیازمند عضو اهدا کنند. علاوه بر اعضای عسل که آماده پیوند است؟ این اعدتی نیست قابل نگهداری در بانک اعضاست را هم اهدا کردیم تا اگر در آینده نیاز شد به بیماران پیوند بزنند. من خوشحال هستم که اعضای بدن عسل به تعداد شش تا هفت نفر از نیازمندان عضو پیوند زده می‌شود و آنان جای عسل را برای من می‌گیرند. امروز عسل به آزروی قلبی‌اش رسید... پدر عسل اینها را می‌گوید و اشک می‌ریزد.

شاهرخ بدیعی: رسانه‌ها شایعات را نپذیرند و منتشر نکنند

دیدن عسل بدیعی با آن چهره معصوم روی تخت ICU برای پدر اصلا آسان نیست. دردناک‌تر و تلخ‌تر از ضایعه درگذشت فرزند، شنیدن شایعاتی است که پیرامون علت مرگ ناگهانی این بدن یار زیگرف جوان بر سر زبان‌ها افتاده و برخی رسانه‌های زرد هم در دامن‌زدن به این شایعات بی‌تأثیر نبوده. می‌پرسم در خبرها آمده که عسل درگیر مشکلات تنفسی بوده، چند وقت بود این مشکل را داشت؟ می‌گوید: خبر، از همه خبر گزاری‌ها و خبرنگاران خواش می‌کنم شایعات را نپذیرند، منتشر نکنند و بسط ندهند. هیچ شایعه‌ای را درباره مرگ عسل قبول نکنید مگر از طرف بنده یا خواهرش غزل، یا رضا داوودنژاد شوهر خواهر عسل یا پسرعموش بابک بدیعی اعلام شده باشد. هیچ خبری از هیچ طریقی مورد تأیید ما نیست مگر از طریق ما چهار نفر یا پزشکان معالج. می‌پرسم علت مرگ مغزی چه بوده؟ می‌گوید: طبق گفته پزشک معالجه‌اش علت مرگ پارگی یک رگ در مغز و شوک ناشی از آن، ایست قلبی که متأسفانه در انتقال بین بیمارستان‌ها رخاست. نمی‌دانم اسمش را می‌توان گذاشت؟ تقدیر؟

دوست داشته و دارم که با تلویزیون همکاری کنم. به این دلیل که مخاطبان تلویزیون در مقایسه با شبکه خانگی بیشتر هستند و اگر شرایط مناسبی فراهم شود حتماً با تلویزیون همکاری می‌کنم.»فیلم انیمیشن «تهران ۱۵۰۰» در اکران نوروزی بر پرده سینماهای ایران رفته است: آن هم با صدا و انیمیشن بازیگران سرشناسی چون مهران مدیری، هدیه تهرانی، بهرام آردان، مهتاب نصیرپور، حبیب رضایی، گوهر خیراندیش و محمدرضا شریفی‌نیا. اما در تیزرهای تلویزیونی تنها نامی که به‌رغم نشان دادن تصویرش به آن اشاره نمی‌شود؛ تصویر مهران



مهران مدیری، پشت صحنه «ویلاي من»

مدیری است که از بازیگران اصلی این فیلم است. او در این فیلم نقش هنرمند سیاه‌پاز مسنی را بازی می‌کند که سال‌هاست بازی‌ناشته شده، او پدربزرگ «تازی» است که هدیه تهرانی نقش او را بازی می‌کند. ابوالحسنی تهیه‌کننده «تهران ۱۵۰۰» در گفت‌وگو با ایسنا با اعلام ممنوعیت برده شدن نام مهران مدیری گفت: «به ما اعلام کردند در هیچ‌یک از شبکه‌های تلویزیون امکان پخش اسم و تصویر مهران مدیری وجود ندارد. از سوی بازرگانی صدا و سیما به ما اعلام شد که نام ایشان را از تیزرها حذف کنیم.»ابوالحسنی در حالی این کتکه را

گزارش «شرق» از جزئیات اهدای عضو عسل بدیعی

یک مرگ، هفت زندگی

قلب عسل بدیعی در بدن این مرد می‌تپد



کافه سینما: قلب عسل بدیعی، بازیگر سینما که اتفاقاً در فیلم «بودن یا نبودن» نقش یک بیمار نیازمند به قلب را بازی می‌کرد، ۱۴ فروردین در عمل پیوند به محمدرضا وهاب‌نژاد پیوند زده شد. وهاب‌نژاد با بیان اینکه حدود شش‌ماه پیش قلب خود را عمل کرده بود اما به دلیل پارگی بطن و مشکل فشار خون دکترها اعلام کردند، نیازمند پیوند قلب است، از درگاه خدا برای عسل بدیعی رحمت آرزو کرد. بدیعی یک سال قبل عضو سازمان اهدای عضو شده و پس از ثبت‌نام خود برای کارت اهدای عضو نوشته بود: «سلام دوستان مهربان. عزیزان... یاران. از خداوند متعال خواستار توانی چون کوه و اراده‌ای چون آهن استوار و پایدار هستم، تا یاری بخش راه سدید عشقتان باشد.»

علیرضا داوودنژاد: امیدوارم اهدای عضو تبدیل به فرهنگ عمومی شود

به مغز و شش و این فرآیند باعث مرگ مغزی عسل در روز ۱۲ فروردین شده است. عسل نه سابقه خونریزی مغزی داشته نه مشکل تنفسی، به هر حال حادثه‌ای است که پیش آمده. از همه رسانه‌ها خواش می‌کنم شایعات را درباره مرگ عسل نپذیرند و منتشر نکنند. علیرضا داوودنژاد فیلمساز و پدر رضا داوودنژاد یکی از کسانی است که در جریان پیوند کبد رضا؛ نزدیک با این مساله روبه‌رو بوده است. با چهره‌ای غمزده و صدايي گرفته به سوالات پاسخ می‌دهد. می‌گویم اینکه رضا در یک اتفاق خوب پیوند کبد شد و به روال عادی زندگی بازگشت خیلی خوشایند است. او می‌گوید: اینکه وقتی آدم دیگر امکان بازگشتش به زندگی نیست با اعضای بدن خود عده دیگری را به زندگی بازگرداند نیست کار انسانی و ارزشمندی است. خب اینکه یک آدم می‌رود اما چند تا آدم به زندگی بازمی‌گردند پیداست که کار خیلی خوبی است. زمانی که رضا درگیر مشکل کبد بود من خیلی نگران بودم و دلم می‌خواست فرزندم دچار مشکل کبد بود. وقتی پیوند شد و نجات پیدا کرد خیلی خوشحال شدم و خانواده اهدا کننده هم خیلی خوشحال بودند از اینکه توانستند رضا را نجات دهند. می‌پرسم اهدای اعضا و پدیده پیوند چقدر می‌تواند از نظر رواج روحیه‌انسان‌دوستی مثرتر نمر باشد؟ می‌گوید: وقتی بن آدم روی زمین مانده اما خودش دیگر روی زمین نیست اما نجاتش را می‌تواند عده دیگری را که به زندگی بازگرداند تمام اعضای قابل استفاده مرا اهدا کن! امروز هم که این اتفاق برای عسل افتاد پدر به خواست عسل در زمان حیاتش احترام گذاشت و با اینار تمام اعضای قابل‌استفاده عسل را اهدا کرد.

شب قبل از مرگ/ بسیار شاد و سرزنده بود

بابک می‌گوید: آخرین باری که عسل را دیدیم درست شب قبل از این اتفاق بود. بسیار شاد و با انرژی بود و از برنامه‌های اینده‌اش صحبت می‌کرد. امیدوارم این تبدیل به واقعا خندهدار است. کسی که یک ساعت عسل را دیده باشد می‌داند که عسل موجودی نیست که اصلا به این موضوع فکر کند. او هزاران برنامه برای زندگی‌اش داشت.

مسمومیت دارویی عسل ضایعه است

در راستا شفاف شدن حقیقت و پخش خبر مسمومیت دارویی عسل بدیعی از بخش خبری تلویزیون می‌پرسم آیا عسل واقعا داروی خاصی مصرف کرده بود که overdose شده باشد؟ می‌گوید: همین حرف را درباره رضا هم زدن و بعد هم مشخص شد که چنین چیزی نبوده و شایعات رد شد. عسل اصلا و ابدا در این‌جور مسایل نبود یا مصرف دارو نداشت.

دکتر مجید در کاخی: هیچ مسمومیت دارویی در خون عسل مشاهده نشد

کوردینیتور هماهنگ‌کننده پیوند اعضای دانشگاه شهید بهشتی درباره علت مرگ عسل بدیعی به سوالات پاسخ می‌دهد: خانم بدیعی ۱۱ فروردین از طرف بازرسان معاونت درمان به ما معرفی شدند در بیمارستان کیان بودند. یخه ۱۲ فروردین در بیمارستان لقمان او را دیدم که متأسفانه مرگ مغزی او را در مراحل اولیه تأیید کردیم و از خانواده اجازه انتقال او به بیمارستان مسموح داشنوری را گرفتیم. متأسفانه روند مرگ

مطرح کرده است که نه‌تنه مجموعه‌های «شب‌های برره»، «مرد هزارچهره» و «دو هزار چهره» با بازی و کارگردانی مهران مدیری از شبکه‌های آی‌فیلم و شبکه نمایش و برخی از شبکه‌های استانی بخش می‌شود، بلکه در برنامه تلویزیونی «سین مثل سریال» که در ایام نوروز از شبکه اول سیما پخش شد دو مجموعه از کارهای او تا مرحله نهایی انتخاب پیش رفت. در نهایت نیز مدیری بعد از محسن تانبنده و رضا عطاران در انتخاب مردمی به عنوان سومین بازیگر برتر انتخاب شد. در طول ۱۵ روزی که این مجموعه از تلویزیون پخش می‌شد بارها نام مهران مدیری و تصاویری از فیلم‌هایش پخش‌ی یا به صورت زیرنویس از شبکه اول سیما پخش شد و هیچ ممنوعیتی وجود نداشت. به نظر می‌رسد این تصمیم در حالی در مورد تیزر فیلم «تهران ۱۵۰۰» گرفته شده که مجموعه ویلاي من از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مجوز رسمی در حال پخش است و فیلمبردهای این مجموعه در شهر نصب شده و از سوی مردم نیز با استقبال همراه شده است. ویلاي من با بازی مهران مدیری و سیامک انصاری درباره پیرمردی ۹۰ساله و پولدار است که قرار است به‌زودی فوت کند. وی هرگز ازدواج نکرده و فرزندی ندارد. او فقط چند برادر دارد که همه آنها فوت کرده‌اند. وکیل درمسئکاری و به دنبال وراث واقعی است تا اینکه به طور اتفاقی ارسالن (مهران مدیری) و هدایت (سیامک انصاری) که در یک رستوران کار می‌کنند متوجه این ماجرا می‌شوند و تصمیم می‌گیرند خود را به عنوان برادرزاده «مشکات» معرفی کنند. ارسالن فردی باهوش و خلاقکار با سابقه است و هدایت نیز سابقه زن‌دان دارد و در جعل مدرک استاد است.

مغزی او تا تاریخ ۱۰ فروردین شروع شده بود. او در منزل دچار سردرد ناگهانی و حالت تهوع و استفراغ شدید می‌شود. اورژانس تهران در منزل او ویزیت کرده و به او دارو می‌دهد و به بیمارستان منتقل نمی‌شود. نوبت دوم که عصر روز چهارم بوده حال ناختم بدیعی بدتر می‌شود و اورژانس تهران او را به صورت کمالا اورژانسی منتقل می‌کند به بیمارستان بهمن. در بیمارستان کارها واقدامات اولیه شامل سی‌تی‌اسکن انجام می‌شود که نرمال بوده و آزمایشات اولیه گرفته شده و به دلیل وخامت حال خانم بدیعی از جانب بیمارستان اول درخواست می‌شود که او را به بیمارستان دیگری منتقل کنند. وی در بیمارستان کیان بستری شده و کارهای درمانی‌اش شروع می‌شود. متأسفانه هیچ تشخیصی برای عسل نداشتند و درمان به صورت کامل انجام نمی‌شود. شبیلگاه از بیمارستان لقمان پذیرش گرفته و شب یازدهم فروردین جهت انجام کارهای تکمیلی به بیمارستان لقمان منتقل می‌شود. بنده صبح ۱۲ فروردین بالای سِر او در بیمارستان لقمان بودم. متأسفانه در بیمارستان لقمان علامت‌های ظاهری مرگ مغزی در او رویت شد، بعد از انجام بررسی‌ها و معاینات کامل و دقیق، ظهر روز ۱۲ فروردین کمالا مرگ‌مغزی از نظر ما مطرح شده بود اما از نظر روال قانونی خبر- چیر روال قانونی

در بیمارستان مبدا انجام نمی‌شود؛ روال قانونی مرگ‌مغزی نامه مکتوب پزشکی قانونی، اما به صورت اولیه ما مرگ مغزی را که به صورت قنصرصد بود تأیید کردیم، با خانواده‌اش صحبت کردیم، طبق خواست خود عسل و آنچه در جشن نفس سال گذشته به ما گفته و تأیید کرده بود که مایل به اهدای تمام اعضای خود است، وی جهت انجام تأییدات قانونی مرگ مغزی به بیمارستان مسیح دانشوری برای اهدای عضو منتقل شد. می‌پرسم در خبر ساعت ۲۴ شبکه خبر- شبکه ۶- تلویزیون در تاریخ ۱۲ فروردین اعلام شد که عسل بدیعی مشکل تنفسی داشته و چند روزی در بیمارستان بستری بوده، این مطلب صحت دارد؟ می‌گوید: تا به حال چنین چیزی به ما گزارش نشده است و خانواده عسل هم چنین سلفه‌ای را به ما گزارش نداشتند. درگاهی درباره علت خونریزی مغزی می‌گوید: خونریزی مغزی علت‌های مختلف دارد. در خیلی مواقع ممکن است خودبه‌خود اتفاق بیفتد. خیلی وقت‌ها علت آن برای ما هم مشخص نمی‌شود و پارگی عروق مغز کمالا خود به‌خود اتفاق می‌افتد نه در آن و یک لحظه، بلکه عروق مغزی در طول زندگی ضعیف شده و ناگهان یکی از عروق پاره می‌شود. به گفته مجید درگاهی، کوردینیتور «عسل بدیعی» قلب، کبد، ریه‌ها و کلیه‌ها و در برداشت و پیوند شده است. تمام اعضای شمل هر دو فرزند، مریمک چشمه، استخوان‌های او به طور کامل، تاندون‌ها، غضروف‌ها، فاشیای عضلات- پوشش روی عضلات - و پوست عسل هم اهدا شده و در بانک اعضا نگهداری خواهد شد تا در موقع نیاز پیوند شود. ساعت به هفت‌غروب نزدیک می‌شود. خانواده عسل بیمارستان را ترک می‌کنند. فردا ۱۴ فروردین قرار است تمام اعضای عسل بدیعی در بخش ICU بیمار می‌گردد. عسل بدیعی، ۲۶ ساله، مرگ مغزی، هاروست. کلمات به شدت کواهند اما مفهومشان دردی عمیق را به بیننده القا می‌کند. تنها چیزی که پدر را تسلا می‌هد ادامه زندگی اعضای عسل در بدن آدم‌های دیگر است.

۱۴ فروردین ۹۲/ بخش ICU بیمارستان مسیح دانشوری

ساعت ۱۴ است. پدر در بیمارستان بر بالین فرزند حاضر شده تا یوسه وداغ را بر پیشانی دخترش نباشند. رضا داوودنژاد شوهر خواهر عسل بدیعی در جمع خبرنگاران به سوالات پاسخ می‌دهد و تمام شایعات پیرامون مرگ عسل را رد می‌کند. او سال گذشته پیوند کبد شده و خود اهمیت اهدا را در زندگی شخصی فردی کرد است. خواهر و مادر عسل حال خوشی ندارند و هیچ چیز زیر بار این ضایعه بزرگ نمی‌تواند تسلابخش فقدان عسل برای آنان باشد. قلب آنان از شایعات دروغ به درد آمده است. جسم بی‌جان عسل آماده انتقال به اتاق عمل است تا تمام اعضای سالم و قابل اهدای او برداشت شود. تخت او که از بخش خارج می‌شود صدای نجیب و آرام پدرش را می‌شنوم که گریان می‌گوید دخترم خداحافظ. بابا خداحافظ...

هنر

اعلام بی‌اطلاعی کارگردان «ویلاي من» از حذف نامش از تیزر «تهران ۱۵۰۰»

مهران مدیری: دوست دارم با تلویزیون همکاری کنم

نگاه روز

آیا کلید «خانه سینما» در دست دولت بعدی است؟

فرانک آر‌تا



● پیش از عید فعالیت‌ها درخصوص بازگشایی خانه سینما از همه سو آن‌قدر امیدوارکننده بود که ایسن نوید را می‌داد که گره کور این معضل باز می‌شود و بالاخره ساختمان شماره ۱ خانه سینما پذیرای اعضایش خواهد شد اما نشدند و حالا که سال جدید آغاز شده است همچنان معلوم نیست سرخ گره‌های این کلاف سرگردم در دستان کیست، ولی سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نخستین واکنش خود در سال جدید در پاسخ به ایسنا، درباره آخرین وضعیت خانه سینما بیان کرد، بحث خانه سینما بر اساس توافقاتی که انجام شده جلو می‌رود و فرآیند بازگشایی خانه سینما براساس توافقاتی که هیات هفت‌نفره اصلاح اساسنامه انجام می‌دهند صورت خواهد گرفت. پاسخی که چندان گویا و رهگشا نیست، به دو دلیل: یکی اینکه از همان ابتدا هم مشخص بود که هیات هفت‌نفره قرار است این مساله را بعد از اصلاح اساسنامه به سرانجام برسانند. از سوی دیگر هم در همین هیات هفت‌نفره اختلافاتی به‌وجود آمد که به نوعی نقض غرض می‌شد. به طور مثال در روزهای پایانی سال گذشته عباس بابویی، عضو هیات نمایندگی وزارت ارشاد در تدوین اساسنامه خانه سینما طی اظهارنظری مباحث جدیدی را مطرح کرد که نشانگر چالش پیش روی این هیات بود. او اعلام کرد آقای مسعود جعفری‌جوژانی به هیچ‌وجه حکم یا ابلاغی از جناب آقای رئیس‌جمهور نداشته یا حتی از طریق دفتر آن مقام عالی به عنوان نماینده معرفی نشده است یا اصراًت مطرح کرد که آقای جوژانی به عنوان نماینده آقای رحیم‌ششایی انجام وظیفه می‌کند. در این صورت پرداختن به موضوع مهمی مثل حل مساله بازگشایی خانه سینما توسط هیات هفت‌نفره که اساسا خود آن هیات دچار چالش شده است، چطور می‌تواند محقق شود و دیگر اینکه آیا همه این مسایل نشانگر این مساله نیست که گره این مساله در دستان همین دولت باز نخواهد شد یا اینکه باید صبر کرد و تکلیف این معضل را به دولت آتی سپرد؟

هفت جهان

«جانگوی زنجیر گسیخته»

با یک دقیقه سانسور در چین

نیما توسلی

● بازار چین برای فیلم‌های غربی، جذابیت زیادی دارد. استودیوهای فیلمسازی هم تمایل زیادی دارند که وارد بازار روبه‌گسترش فیلم در چین شوند. مدتی است که حتی کشورهای اروپایی هم تلاش می‌کنند تا تولیدات مشترکی با شرکای چینی خود داشته باشند.

ماه آینده قرار است «جانگوی زنجیر گسیخته» در چین اکران شود و این اولین فیلم تارانتینو خواهد بود که به‌طور رسمی در چین پخش می‌شود. پذیرش این فیلم با اندکی سانسور و تحت عنوان فیلمی در ژانر خشونت توسط اداره رادیو، فیلم و تلویزیون دولتی چین صورت گرفته است. کل سانسور این فیلم شامل یک دقیقه چند ماه پیش فیلم «ابر اطلس» با ۴۰ دقیقه سانسور شدید اجازه پخش عمومی را گرفته بود. اداره رادیو، فیلم و تلویزیون دولتی چین قوانین سفت و سختی در رابطه با سانسور فیلم‌ها اعمال می‌کند که روابط، خشونت و حتی نشان دادن ارواح یا تحقیر چهره‌های ارثشی جزو مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. بدین ترتیب واکنش این اداره در قبال فیلم «جانگوی زنجیر گسیخته» را باید یک نوع اجازه آزادی بیان تعبیر کرد؛ هرچند که تا زمان اکران این فیلم، تعیین یک ماه دیگر، شاید امکان تغییر رویکرد و اعمال سانسورهای جدید هم فراهم شود.

سرخط

مهر:سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «هری روی کاج‌ها» به کارگردانی پیمان معادی از اکران این اثر از هفته اول اردیبهشت‌ماه خبر داد.
ایسنا:فیلم سینمایی «بغض» اولین فیلم بلند رضا درمیشیان در تازه‌ترین حضور جهانی‌اش در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم «کلیولند» به نمایش درمی‌آید.
«بغض» در ششمین جشن منتقدان برنده سه جایزه بهترین کارگردانی اول، بهترین تدوین و بهترین فیلمبرداری شد.
ایسنا: محمد گلین، پژوهشگری که بر اثر سکنه مغزی از ۱۲ادی در بیمارستان بستری است، بعد از سه ماه حرف زد.